

از جهان کهنه به نو

شرق: «خانه» آخرین اثر یودیت هرمان است که در سال ۲۰۲۱ منتشر و به تازگی با ترجمه محمود حسینی‌زاد در نشر افق منتشر شده است. هرمان از نویسندگان امروز ادبیات آلمان است که در ایران هم شناخته شده است. محمود حسینی‌زاد که در سال‌های اخیر اغلب آثار نویسندگان امروز آلمان، نویسندگان پس از اتحاد دو آلمان را ترجمه کرده، نخستین بار هرمان را با ترجمه داستان‌هایی از او در مجموعه «گذران روز» به خواننده فارسی‌زبان معرفی کرد. پس از آن او آثار دیگری از هرمان ترجمه کرد که «این سوی روخانه ادر» از جمله آنهاست. این کتاب مجموعه‌ای است شامل داستان‌هایی از دو کتاب اول یودیت هرمان با عناوین «خانه تابستانی، بعدا» و «هیچ‌جز ازدواج»، «الیس»، «لتی پارک» و «اول عاشقی» از دیگر ترجمه‌های حسینی‌زاد از این نویسنده آلمانی هستند که همگی در نشر افق منتشر شده‌اند. در «الیس» با شخصیتی اصلی به نام الیس روبه‌رویم که درگیر مرگ و غم از دست‌دادن و عشق است. گرچه داستان‌های کتاب به نام شخصیت‌های دیگری نوشته شده‌اند. «لتی پارک» مجموعه‌داستانی است که هرمان در آن به سراغ نوشتن داستان‌های خیلی کوتاه و موجز رفته است. در این داستان‌ها شخصیت‌ها اغلب به درون خود رفته‌اند و به مسائل

شخصی و دوراهی‌های عاطفی پیش‌رویشان فکر می‌کنند. «اول عاشقی» که این نیز توسط نشر افق منتشر شده، داستان زنی است به نام استلا که دختری کوچک دارد. این زن گرفتار مزاحمت غریبه‌ای مرزوم می‌شود و این غریبه تهدیدی می‌شود برای زندگی او. شوهر استلا، کارگری است که در شهری دیگر کار می‌کند. به این خاطر او اغلب خانه نیست و در یکی از روزهایی که استلا به تنهایی در خانه است، غریبه‌ای زنگ خانه را می‌زند. زن در را به روی غریبه باز نمی‌کند اما غریبه دست‌بردار نیست.

«خانه» روایت مردمانی است که در پی رسیدن به وطنی آشنا هستند و در تکاپوی گذر از جهان کهنه به نو، آنها در این مسیر تلاش می‌کنند فراتر از روزمرگی‌های زندگی حرکت کنند و به این ترتیب به جست‌وجوگرانی تبدیل می‌شوند که می‌خواهند بر روزمرگی غلبه کنند و گذشته‌ای چندتکه را دستکار کنند. رمان این‌گونه آغاز می‌شود: «آن وقت‌ها، در آن تابستان تقریبا سی سال پیش، در نواحی غربی زندگی می‌کردم و خیلی دور از دریا، آپارتمان تک‌اتاقه‌ای داشتم در محله نوساز شهری نه‌چندان بزرگ و کاری در کارخانه سیگارسازی. کار راحتی بود، باید مراقب می‌بودم تا کلاف توتون کاملا صاف وارد دستگاه برش بود، همه‌اش

همین. راستش خود دستگاه این کار را می‌کرد، سنسوری داشت که کلاف توتون از مقابل آن رد می‌شد و اگر کلاف کج بود، دستگاه متوقف می‌شد (مثل توقف کسی که می‌دود به سمت دیواری، با تکانی شدید متوقف می‌شود). سنسور اغلب کار نمی‌کرد. برای همین من کنار دستگاه ایستاده بودم و به کلاف توتون نگاه می‌کردم، اگر کلاف کج شده بود صافش می‌کردم. از ساعت هفت تا دوازده، نیم‌ساعتی وقت ناهار و بعد باز سه ساعت دیگر».
راوی این داستان زنی است که تا پایان روایت نامی از او برده نمی‌شود. آن‌طورکه در سطور ابتدایی رمان خواندیم، او در کارخانه سیگارسازی کار می‌کند و پیشنهاد اغواکننده یک شعبده‌باز مسیر زندگی او را دگرگون می‌کند. هرمان در این داستان بیش از آثار قبلی‌اش به ستایش زندگی پرداخته است. سرنوشت، تنهایی، عشق و معنای زندگی از جمله مضامین این رمان هستند. در بخشی دیگر از رمان می‌خوانیم: «نیکه به پشت خوابیده، دست‌ها دراز دو طرف، کف دست‌ها رو به بالا، باز و نرم. بازوهایش صدمه ندیده، فقط روی مچ دست‌ها حلقه‌های کبود، احتمالا به خاطر بستن دست‌ها، به خاطر نسیم‌ها، لاک ناخن‌ها پریده. جراحات‌های قابل رؤیت روی بدنش به خاطر کف اتومبیلی است که کسی با آن از روی این

به مناسبت تجدید چاپ «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» با ویرایش جعفر مدرس صادقی

باز آفرینی اثری گمشده

«گزارش مردم‌گریز» از مولیر را ترجمه کرده و در ۱۲۸۴ هجری شمسی در شهر استانبول به چاپ رسانده بود.

«سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» در سال‌های مختلف منتشر شده و جعفر مدرس صادقی نیز چند سال پیش این اثر را ویرایش و منتشر کرد که به تازگی چاپ تازه‌ای از آن در نشر مرکز منتشرشده است. «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» اولین‌بار در سال ۱۹۰۵ در کلکته و از روی نسخه دست‌نویس شیخ احمد روحی کرمانی به چاپ رسید. ویرایش مدرس‌صادقی از این اثر اولین ویرایشی است که بر اساس نسخه دست‌نوشته خود میرزا حبیب اصفهانی به چاپ می‌رسد و این به اهمیت کار او می‌افزاید. در اینجا نیز بر اهمیت کاری که میرزاحبیب اصفهانی کرده تأکید شده و به این نکته اشاره شده که ترجمه میرزاحبیب ترجمه‌ای متعارف نیست و در چارچوب تنگ ترجمه نمی‌گنجد. ترجمه «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» حاصل دوران پختگی میرزا حبیب است و او با اتکا به تجربه‌های گذشته مسیری تازه پیش‌روی نثر فارسی گشوده است: «ترجمه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی بازآفرینی یک اثر گمشده و تلاشی برای نوشتن یک رمان ایرانی -اولین رمان ایرانی- به دست یک نویسنده ایرانی است. زبان میرزا حبیب متکی است به فارسی کهن و با اتکا به این پشتوانه است که زمینه رهایی خودش را از بند زبان رسمی و منشیانه قاجاری فراهم می‌کند. میرزا حبیب ایجاد و استحکام و وقار زبانش را به اسلاف خودش مدیون است و زبان او حلقه پیوندی است میان فارسی‌نویسی قرن ششم هجری با عصر ما. میرزا حبیب زبانی را که به دست منشیان بی‌مایه و ادیبان متظاهر قلمبه‌سلمبه‌نویس معاصرش به زبان الکن به بن‌بست رسیده و دست و پا بسته‌ای تبدیل شده بود، به یک زبان زنده داستان‌گو تبدیل کرد و با تسلطی که بر زبان گفتار زمانه‌اش داشت و با پیوندزدن این زبان به زبان نهدس ساله فارسی، به هم‌نهادی رسید که در قالب رمان به خوبی جام می‌افتاد و جواب می‌داد».

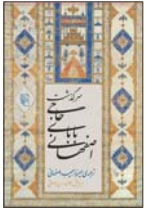
خود رمان اثر چندان شاخصی به شمار نمی‌رود اما ترجمه درخشان میرزاحبیب آن را به یکی از شاهکارهای کلاسیک ادبیات منثور فارسی تبدیل کرده است و به این اعتبار کار میرزاحبیب اصفهانی را حتی می‌توان به عنوان اثری تألیفی هم در نظر گرفت. مدرس صادقی در مقدمه خواندنی‌اش، به سرگذشت ترجمه فارسی این اثر پرداخته است و در جایی از مقدمه نوشته که وقتی دستنویس ترجمه فارسی کتاب به شهر کرمان رسید و از روی آن نسخه‌برداری شد، اهل فن بر این باور بودند که این کتاب اولین رمانی است که به زبان فارسی و به دست یک ایرانی نوشته شده و ایرانیانی که این کتاب را خوانده بودند به خودشان می‌بالیدند که یک ایرانی که مهارت فراوانی در داستان‌سرایی دارد به این خوبی به عمق شخصیت‌ها فرورفته و حالات و رفتار آنها را به طبیعی‌ترین شکل ممکن بازگو کرده است. او می‌گوید ظاهرآ نسخه منبایی که به کرمان رسیده بود نه اسم نویسنده داشت و نه اسم مترجم اما از آنجا که به خط شیخ احمد روحی بود و از جانب او برای خانواده‌اش فرستاده شده بود، کار شیخ احمد روحی شمرده شد. بعدتر که معلوم شد کتاب ترجمه است خوانندگان جا خورده و خوششان نیامد که یک فرنگی این‌چنین آنها را زیر ذره‌بین برده است.

سرگذشت حاجی بابای اصفهانی

ترجمه میرزا حبیب اصفهانی

ویرایش جعفر مدرس‌صادقی

نشر مرکز



جلد اول

جلد دوم

جلد سوم

جلد چهارم

جلد پنجم

جلد ششم

جلد هفتم

جلد هشتم

جلد نهم

جلد دهم

جلد یازدهم

جلد دوازدهم

جلد سیزدهم

جلد چهاردهم

جلد پانزدهم

جلد شانزدهم

جلد هجدهم

جلد بیستم

جلد بیست‌ونهم

جلد بیست‌وهم

جلد بیست‌و یکم

جلد بیست‌و دویم

جلد بیست‌و سوم

جلد بیست‌و چهارم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجاهم

جلد بیست‌و یکم

جلد بیست‌و دوم

جلد بیست‌و سوم

جلد بیست‌و چهارم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم

جلد بیست‌و یازدهم

جلد بیست‌و چهاردهم

جلد بیست‌و پنجم

جلد بیست‌و ششم

جلد بیست‌و هفتم

جلد بیست‌و هشتم

جلد بیست‌و نهم

جلد بیست‌و دهم